

۱۰ پیش‌نشان

به «حساب» گرفتن
«حساب» داری

سید محمد علوی

آیا بازنگاری ساختارهای حرفه نیازمند تقلید محض است یا در نظر گرفتن مختصات اجتماعی ما؟ آیا اساساً این نسخه‌ها مرهم و همدم دردهای حرفه خواهد بود؟ به‌درستی که «خانه از پای بست ویران است، خواجه در بند نقش ایوان است». اصولاً هر پدیده را از سه منظر می‌توان تحلیل کرد: از درون، از بیرون و از دریچه‌ی آرزو و آرمان‌ها.

قبل از هر چیز، ضرورت دارد پیشینه، شأن نزول و کلیدواژه‌های این پیشنهادها را واکاوی کنیم. نظر به این که خط و مشی حرفه و قلمرو آن تحت استیلای دولت است و کشتی بی‌سکان حرفه در تلاطم‌های محیطی امکان تنظیم‌گری و هدایت به‌موقع ندارد. پس از استقرار دولت یازدهم از شهریور ۱۳۹۲ و انتشار برنامه‌های راهبردی وزیر امور اقتصادی و دارایی در خصوص مبارزه با فساد، ایجاد انضباط مالی و بهبود محیط کسب‌وکار، مسائل و چالش‌های اصلی گریبانگیر حرفه در راستای برنامه‌های اعلامی، با ایشان در میان گذاشته شد: ماده واحده‌ی محدود به حسابرسی و بازرسی، قل و زنجیر دولت بر پای حرفه، مواد محدودکننده‌ی اساسنامه، هم‌پوشی متقابل وظایف با سازمان حسابرسی، افزایش فاصله‌ی انتظارات با ذی‌نفعان کلیدی حرفه، مراجع نظارتی گوناگون بر حرفه، عدم امکان پیشرفت حرفه با مقررات فعلی، حق‌الزحمه‌ی پایین، فقدان منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی فناوری اطلاعات، عقب‌ماندگی روش‌شناسی و فناوری حسابرسی، جدایی هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی از حرفه و بسیاری موارد دیگر. مقرر شد در راستای رفع موانع و محدودیت‌های موجود، تصمیمات مقتضی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی اتخاذ شود. بر این بنیان در جلسه‌ی شهریور ۱۳۹۴ مجمع عمومی سازمان حسابرسی، این مطالبات به سمت‌وسوی ایجاد نهاد ناظر مستقل و

زندگی کردن، کار فناورانه و کارآمدی. در این سال حرفه شاهد رونمایی «طرح نظام جامع حسابداری و حسابرسی» و «طرح اصلاح قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به عنوان حسابدار رسمی» از سوی تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بود و از سوی دیگر وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز «لایحه‌ی تشکیل سازمان تنظیم مقررات و نظارت بر امور حسابرسی» را به هیأت وزیران ارائه کرد. اهالی حرفه مبهور شدند که با این همه چالش و معضلات حادی که با آن مواجه‌ایم، چگونه است که حرفه‌ی حسابرسی در اولویت قانون‌گذار و دولت قرار گرفته است؟ اگر به‌راستی حسابرسی در اولویت است چرا چالش‌های اصلی آن مغفول مانده؟ آیا انبوه معضلات اساسی که پیش‌نیاز ارتقای حسابرسی‌اند رفع شده و فقط مانده حسابرسی را با آخرین تحولات و تغییرات جهانی روزآمد کنند؟

مرگ هرگز برای ماضی نیست مرگ از بهر حال و آینده است

حال و آینده را توان کشتن آن چه بگذشته تا ابد زنده است (دهخدا)

سالی که آخرین روزهای آن را می‌گذرانیم بی‌شک روزهای سختی برای ما و جهانیان بود. سال هراس، سال تنهایی، سال اشک، سال شک. این سال برای حرفه خسران بسیار به همراه داشت. بخشی از سرمایه‌های انسانی خود را زود هنگام از دست دادیم و بسیاری از همکاران ناباورانه سوگوار عزیزانشان شدند و برخی دیگر گرفتار مصایب این بیماری مرموز بودند. اگرچه این سال یکی از تلخ‌ترین سال‌های زندگی بشر در سده‌های اخیر بود که تا سال‌ها بعد با همین غم‌ها، تنهایی‌ها و حسرت‌ها آن را به یاد خواهیم آورد، اما این بیماری تلنگری نیز بود برای دریافتن ارزش

تفکیک ضابطه‌گذاری از اجرای عملیات حسابرسی سوق داده شد. باید پرسید چه فکر می‌کردیم و چه شد؟ برخی بر این باورند چون فرایند قانون‌گذاری در کشور حرفه‌ای و اصولی نیست و نتیجه‌ی مد نظر غیر قابل پیش‌بینی است و در نهایت تعاملات و ارتباطات گروه‌های ذی‌نفع حرف اول را می‌زند. لذا نباید برای بازنگری مقررات اقدام کرد. آیا یعنی از ترس مرگ باید خودکشی کنیم؟ در این زمینه، جامعه پیشنهادی به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارائه نمود که محور آن بازنگری ساختارهای جامعه و استقلال هیأت عالی نظارت و حذف اشخاص تحت نظارت از فرایندهای نظارتی بود و سازمان نیز به استناد حکم حکومتی دریافتی و محتوای دو جلد کتاب منتشره با عنوان گزارش توجیهی و حسابرسی شرکت‌های دولتی پیشنهاد تشکیل نهاد ناظر، تثبیت وظایف و ادامه‌ی تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی را ارائه نمود. تناقضی که از یک طرف مدعی بود سازمان به صورت بخش دولتی به تدریج تحلیل می‌رود و از سوی دیگر اصول یازده‌گانه‌ی «مجمع بین‌المللی ناظران مستقل حسابرسی IFIAR» قابل پیاده شدن در جامعه نیست و باید در یک مؤسسه‌ی دولتی مستقر گردد. الله علم! در این زمینه جلسات کارشناسی و تبیین ابعاد و پیامدهای هریک از محورهای پیشنهادی در وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار گردید. لیکن بخش دولتی از توجیهاات عدم تاسیس نهاد جدید در این زمینه هرگز قانع نشدند. خشت اول گر نهد معمار کج - تا ثریا می‌رود دیوار کج. جلسات کارشناسی ادامه داشت و همواره نمایندگان رسمی طرفین در جلسات مربوط حضور داشتند که البته بیش‌تر چانه‌زنی بود تا تفاهم، اقعان، اجماع فکری و نگاه ملی به حرفه‌ی حسابرسی. بر اساس آسیب‌شناسی صورت گرفته، دولت

مشتاق ادامه‌ی سلطه‌ی خود و هم‌تباران حرفه‌ای هم همواره در پی حفظ و ارتقای موقعیت خویش در این تغییرات و تحولات پیش رو بودند و متأسفانه نه حرفه‌ی حسابرسی، غافل از این که آجر به آجر تکیه می‌کند. آن شد که لایحه‌ی وزارت امور اقتصادی و دارایی بسیار سطحی و در حد اصلاحات ظاهری با حرفه برخورد کرد. در نهایت مقرر شد نهاد ناظر مستقل به صورت مؤسسه‌ی دولتی تأسیس شود که وظیفه‌ی اصلی آن کنترل کیفیت مؤسسات حسابرسی و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی باشد و سازمان هم عضو بالاترین رکن آن و ماده واحد و هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی و جامعه هم با همین وضعیت موجود بمانند و تغییراتی جدا از دو مورد مد نظر در اساسنامه‌ی طرفین انجام نشود. من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید، قسم برده به باغی و دلم شاد کنید. نکته‌ی حائز اهمیت که به آن اصلاً توجه نشد این است که تجربه‌ی موفق سازمان حسابرسی به‌عنوان بخش دولتی ارائه‌ی خدمات حسابرسی مستقل، تولید و انتشار کتب موردنیاز حرفه و ترجمه و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی در این موضوع ابداً تکرار نخواهد شد، چراکه سازمان حسابرسی در سال ۱۳۶۶ از صفر «تأسیس» نشده، بلکه براساس سرمایه‌ی انسانی و

خمیرمایه‌ی نزدیک به ۲۰ سال فعالیت حرفه‌ای مؤسسات حسابرسی خصوصی و مؤسسات حسابرسی بین‌المللی «تشکیل» گردیده و در راستای شرایط خاص سیاسی و اقتصادی حاکم مقرر شد فعالیت این‌گونه مؤسسات حسابرسی در بخش دولتی تداوم داشته باشد. از سوی دیگر، پیشنهاد تأسیس نهاد ناظر با قانون‌گذاران نیز مطرح شد. در این راستا کمیسیون اقتصادی مجلس با دریافت پیشنهادهای جدید جامعه و سازمان، بررسی هم‌زمان موضوع را شروع کرد. در کمیسیون اقتصادی مجلس پیشنهادهای کلیدی جامعه مبنی توسعه‌ی موضوع ماده واحد، تعیین تکلیف هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی، موضوع اختلاط وظایف با سازمان حسابرسی، استفاده از فناوری‌های نوین، پشتیبانی اطلاعاتی از حرفه‌ی حسابرسی، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، سامانه‌های اطلاعاتی، تأکید بر استقلال و غیردولتی بودن جامعه و... مورد قبول واقع و بر این پایه نظام جامع حسابداری و حسابرسی تدوین شد. هم‌اینک در برخی محورها اختلاف‌نظرهایی وجود دارد که تحت بررسی کمیته‌ی تخصصی کمیسیون قرار دارد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. در کشورهای توسعه‌نیافته به دلیل تعارض دائمی نظام حکمرانی با نخبگان



ساختار در یکی از آن کشورها جواب بدهد، ساختار مربوط قابلیت تعمیم به کشورهای مشابه را نیز دارد، ولی هر یک از کشورهای در حال توسعه به لحاظ پیشینه تاریخی و مناسبات خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... نه شبیه هم هستند و نه شبیه کشورهای توسعه یافته و هر کدام در مسائل و چالش‌های منحصر به فرد خود غوطه‌ورند و هریک الگوی توسعه‌ای متفاوتی را دنبال می‌کنند. از این رو مسایل هر کدام از آن‌ها نسخه‌ی خاص خود را می‌خواهد و نسخه واحد و عمومی در این زمینه کافی به مقصود نیست. حسابداری نرم‌افزاری است که اجرا و بهره‌مندی از مزایا و کیفیت آن سخت‌افزار مختص خودش را می‌طلبد، پی، بنیان و اسکلت نیاز دارد و تا زیربنای آن مهیا نشود رونمای آن ساخته نمی‌شود. پذیرش لایحه‌ی تقلیل‌گرایانه و ساده‌انگارانه‌ی وزارت امور اقتصادی و دارایی در واقع سرپوش نهادن و بی‌توجهی به چالش‌های ساختاری حرفه است: بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند / ما کار خود ز ابروی جانان گشاده‌ایم. هم‌تباران، ارتقای کیفیت حسابرسی را از دلایل محوری تأسیس نهاد ناظر و کارکرد آن را شفاف‌بخش نابسامانی حرفه‌ی حسابرسی شمرده‌اند. اسباب ناکارآمدی حسابرسی از جمله وضعیت کیفیت و زمین‌گیری آن ارتباط وثیق و وسیع با سیستم‌های حکمرانی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... کشور دارد. تحلیل تک‌بعدی و عدم صورت‌بندی صحیح مسائل و حل‌وفصل ناقص و مبتنی بر آزمون و خطا، تحقیر و ظلم به حرفه و آدرس غلط دادن است. دیدن پدیده‌های مشهود، مثل «نهاد ناظر» در سایر کشورها کار ساده، راحت و قابل‌فهمی است. مشکل اما در توصیف و بازگو کردن پدیده‌های نامشهود مثل «درد» است. دردهای مشاهده نشده را باید تشخیص، بیان و تفاهم مشترک در

استفاده می‌کنیم و البته آن هم با تاخیرات قابل‌ملاحظه و یک برگ هم به دانش حسابداری اضافه نکرده‌ایم. حتی در حوزه‌ی حسابداری اسلامی هم که مدعی هستیم دستاوردمان تقریباً هیچ بوده است. هنر ما تاکنون اقتباس به روش تخت پروکرست بوده که تنها عسر و حرج نصیب‌مان کرده و مانع چشیدن حلاوت این کاربردها شده است. در صورتی که هرگونه دنباله‌روی باید با توجه جدی به خاستگاه و مبانی نظری هریک از ساختارها و فرایندهای مربوط انجام شود. ترجمه‌ی صرف ساختارها و فرایندهای مربوط و تجویز کامل آن در داخل بدون بنیان‌ها و استلزاماتش به‌سادگی دیاگ عمل نمی‌کند که معجزه‌وار عیوب را نمایان و مرتفع کند. نتیجه‌ی این تقلید ناشیانه می‌گوید «مریض خر خورده است». دانش و حرفه‌ی حسابداری خاستگاه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار متمایزی در کشورهای مختلف دارد. تقریباً همه‌ی کشورهای توسعه یافته تقریباً در یک سری از شاخص‌های توسعه‌یافتگی مشابه هم هستند. پس معمولاً اگر یک

و نهادهای مدنی و... قوانین و مقررات، بر اساس اصول بدیهی و اراده‌ی عامه تدوین و بازنگری نمی‌شود، بلکه اصولاً اراده‌ی حاکمیت تحت عنوان قانون و مقررات، تحمیل می‌شود. بازنگری و تدوین مقررات قاعدتاً ریشه در رفع نواقص و جلوگیری از انباشت مسائل دارد. در صورت پیش‌بینی عدم بهبود وضعیت واقعی، پیچیده‌تر شدن مسائل و فزونی مشکلات را به همراه خواهد داشت. حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی متعلق به عموم است و همه باید برای تکوین، بازسازی و نوسازی آن همت و از منافع فردی، سازمانی و کوتاه‌مدت خود چشم‌پوشی کنیم. وقتی به گذشته‌ی حرفه نگاه می‌کنیم با افتخار می‌بینیم که هرگام از شکل‌گیری و تکامل آن همواره به همت افراد درستکار، صادق، شریف، نیک‌اندیش و اخلاق‌مدار برداشته شده است.

حسابداری دانش و حرفه‌ای وارداتی است و ما به‌دلیل نوپا بودن آن در داخل کشور، محدودیت‌های ارتباطی و... فعلاً تنها از کوشش‌های فکری و دستاوردهای کشورهای پیشرو در این زمینه چه بسا طوطی‌وار و محتاطانه

سیاسی و اقتصادی شامل قانون دیوان محاسبات ۱۲۸۹، قانون محاسبات عمومی ۱۲۸۹، وزارت مالیه ۱۲۹۴، آموزش و پرورش نوین ۱۳۰۵، تأسیس بانک سپه ۱۳۰۴، قانون مدنی ۱۳۰۷، قانون تأسیس بانک ملی ایران ۱۳۰۷، قانون تجارت ۱۳۱۱، تأسیس دیوان محاسبات کشور ۱۳۱۲، تأسیس بانک کشاورزی ۱۳۱۲، نظامنامه دیوان محاسبات ۱۳۱۲، قانون مالیات بر عایدات و حق تمبر ۱۳۱۲، تأسیس دانشگاه تهران ۱۳۱۳، تأسیس بیمه ایران ۱۳۱۴، تأسیس شرکت ملی نفت ایران ۱۳۲۷ و... از مهم ترین موارد توسعه‌ی نهادها و قوانین جدید بوده است. لیکن به دلیل فقدان منابع انسانی مورد نیاز، امور حسابداری و حسابرسی همه‌ی این نهادها عمدتاً توسط مستشاران خارجی انجام می‌شدند. نیاز به حسابداران حرفه‌ای و متخصص برای اداره‌ی امور مربوط بسیار روشن و حیاتی بود. بنابراین بانک ملی ایران در سال ۱۳۱۵



سمت‌وسوی راه‌حل‌های مؤثر و عملیاتی رهنمون می‌کند و مانع از توهّم و تولید مسائل و چالش‌های جدیدتر می‌شود. شواهد تجربی بیانگر آن است، وجود ده نیروی پیش‌ران و محرک کلیدی درون و برون حرفه‌ای عامل به حساب گرفتن حسابداری و کلید ترقی تدریجی آن بوده است. حرفه‌ی حسابداری بر روی این ده ستون اصلی استوار شده و هریک از این پایه‌ها نباشند و یا لرزان و سست باشند حرفه‌ی حسابداری نیز متزلزل و ضعیف می‌شود. آینده و کارآمدی حرفه هم بدون تردید در گرو وجود و استحکام هریک از این ستون‌ها نهفته است. وقتی حرفه می‌تواند نقش و وظایف خود را به درستی و شایستگی ایفا کند که از پشتوانه‌های نظری، قانونی، اخلاقی و عملیاتی مستحکمی برخوردار باشد.

◀ پیش‌ران اول: نظام آموزش و

پژوهش

تعریف رشته‌ی حسابداری به‌عنوان رشته‌ی تخصصی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و شروع تولید انبوه حسابدار به‌عنوان تکنسین و کارشناس در مقاطع کارشناسی و نیز تربیت متفکر و مجتهد حسابداری در مقطع دکتری حسابداری و هم‌زمان انجام تحقیقات گسترده‌ی نظری و توسعه‌ی تئوری و مفاهیم نظری حسابداری و تولید و انتشار گسترده‌ی کتب، نشریات و مطبوعات حسابداری و ارتباطات تنگاتنگ دانشگاه و حرفه موتور محرک حسابداری بوده است. اولین بار به سال ۱۸۸۱ در پنسیلوانیای آمریکا و چهار سال بعد در دانشکده‌ی اقتصاد لندن تدریس رشته‌ی تخصصی حسابداری به صورت مستقل شروع و سپس توسعه یافته و فراگیر شده است. در کشور ما انقلاب مشروطه و تصویب متمم قانون اساسی ۱۲۸۶ جرقه‌ی شکل‌گیری و پیدایش و به حساب آمدن حسابداری و حسابرسی نوین را زد. نظامات و ساختارهای برآمده از این نظام

درمان آن ایجادکنیم. این کار به مؤلف نیاز دارد و کار مترجمین به‌تنهایی نیست: نه هرکه چهره برافروخت دلبری داند / نه هرکه آینه سازد سکندری داند. کمیت و کیفیت حسابداری، گزارشگری مالی و حسابرسی به‌شدت تحت تأثیر عوامل محیطی خود قرار دارد. از این‌رو، برای حل و فصل مسایل و چالش‌های آن ابتدا باید محیط مختلف و متنوع آن مورد کالبدشکافی قرار گیرد. در این صورت بر اساس عارضه‌یابی، نظام بازخورد و بهینه‌کاو می‌توان بازنگری و اصلاحات ضروری جهت بهبود وضعیت را کلید زد. مشارکت ندادن حرفه در بازسازی و مقدرات آن باعث می‌شود بدنه‌ی حرفه نسبت به جایگاه خود بیگانه باشد و بر منافع فردی خود تمرکز یابد و تعلق حرفه‌ای خود را از دست بدهد. هزار داستان حضرت مستطاب حسابداری گویای به حساب گرفتن تدریجی آن بوده است. جوهر به حساب آمدن، به حساب گرفته شدن و دیده شدن سودمندی، احساس نیاز و احتیاج است. به حساب گرفته شدن نیاز فطری بشر هست. مؤلفه‌های اصلی آن بیش‌تر جوششی است اما یک سلسله اقدامات و فعالیت‌های کوششی را نیز می‌طلبد. بدون داشتن خمیرمایه‌ی وجودی چیزی به حساب گرفته نمی‌شود. مشک آن است که خود ببوید نه آن‌که عطار بگوید. خاستگاه حسابداری نوین نظام‌های سرمایه‌داری صنعتی و سپس سرمایه‌داری مالی بوده، لذا اول باید بدانیم محیط مستعد و نیازمند حسابداری چه نوع محیطی است. روند شکل‌گیری دانش و حرفه‌ی مدرن حسابداری چگونه بوده است؟ تکوین، بالندگی و پایداری آن چگونه صورت گرفته است؟ مشکلات، مسائل و چالش‌ها و نحوه‌ی رویارویی با آن‌ها چگونه بوده است؟ راز اعتلا و افول آن در چه مواردی بوده است؟ لذا هرگونه تحلیل و بینش واقع‌بینانه ما را به



نخستین گروه ۱۲ نفری و بعد وزارت دارایی گروه ۸ نفری از داوطلبان را برای تحصیل در رشته‌ی تخصصی حسابداری و کسب عنوان حسابدار رسمی به انگلستان اعزام نمودند. بازگشت اولین گروه فارغ‌التحصیلان خارج از کشور با عنوان حسابدار رسمی، هسته‌ی اولیه‌ی شکل‌گیری آموزش عالی رشته حسابداری در کشور را پایه‌ریزی کرد. بنابراین در آموزشگاه فنی آبادان ۱۳۱۸، آموزشگاه بانک ملی ایران ۱۳۱۹، آموزشگاه عالی حسابداری شرکت نفت ۱۳۳۶، مدرسه‌ی عالی بازرگانی ۱۳۳۶، دانشکده‌ی علوم اداری دانشگاه تهران ۱۳۳۸، مؤسسه‌ی علوم بانکی ۱۳۴۲، مؤسسه‌ی عالی حسابداری ۱۳۴۳، مدرسه‌ی عالی دختران ۱۳۴۳ و... رشته‌ی حسابداری به عنوان رشته‌ی تخصصی ایجاد و تدریس گردید. اولین گروه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی داخلی رشته‌ی حسابداری از اوایل دهه‌ی ۴۰ با ظرفیت حدود ۵۰۰ فارغ‌التحصیل در سال به تدریج وارد حرفه‌ی حسابداری شده و با کسب پنج و شش سال تجربه‌ی عملی موردنیاز زمینه‌ی طلوع حرفه‌ی حسابرسی را نیز فراهم کردند. پذیرش

دانشجوی حسابداری در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ عمدتاً در مقطع کارشناسی صورت می‌گرفت و دانشکده‌ی حسابداری شرکت نفت در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته به صورت محدود دانشجو پذیرش می‌نمود.

سپس در دهه‌ی ۶۰ و بعد از انقلاب فرهنگی دوره‌های کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مادر و از اواخر دهه‌ی ۷۰ دوره‌های دکتری حسابداری هم راه‌اندازی شد که فارغ‌التحصیلان آن از ابتدای دهه‌ی ۸۰ شروع به فعالیت کردند. فارغ‌التحصیلان محدود دکتری خارج از کشور نیز عمدتاً از کشورهای دست‌دوم و نه از کشورهای خاستگاه و رهبری حسابداری بوده‌اند. بنابراین از زمان ورود دانش حسابداری تنها آموزش نظری در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی صورت گرفته و نظام آموزش عالی در دانشگاه نسل اول آموزش‌محور و سنتی، متوقف مانده است. در صورتی که دانشگاه محل نقد، نظر، تحقیق و طرح و حل مسئله و در واقع پشتیبان آموزشی و علمی حرفه و مرجع تولید و انتشار کتب و نشریات حسابداری و پاسخ‌گوی نیازهای روز افزون صنعت است.

در کشورهای پیشرو، توسعه و پیشرفت تئوری و مفاهیم نظری حسابداری عمدتاً از طریق رساله‌های دکتری صورت می‌گیرد. از آن‌جا که حسابداری رشته‌ی کاربردی است در اساسنامه‌ی دانشکده‌ی حسابداری شرکت نفت یکی از شروط به‌کارگیری مدرسین دروس تخصصی حسابداری، شرط حسابدار رسمی بودن مدرس و نیز پیش‌بینی انجام کارآموزی حین تحصیل بود، همچون دانشجویان رشته‌ی پزشکی که بخشی از دروس تخصصی خود را در بیمارستان‌های تحت پوشش می‌گذرانند. بعد از انقلاب اسلامی شرط مزبور معکوس و دارندگان دکتری حسابداری بدون آزمون مربوط حسابدار رسمی می‌شوند و کارآموزی

نیز از برنامه‌ی درسی یکپارچه حذف شد. کیفیت در این زمینه قربانی کمیت شده به طوری که ایران ۵ برابر کشورهای پیشرفته دانشگاه، هیأت علمی و دانشجو دارد ولی تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه‌مان کم‌تر از ۵۰ سال پیش شده است. پدیده‌ی «مدیران ابدمدت» در نظام اجرایی و شکل‌گیری «مدیران هیأت علمی» باعث شده بخش بزرگی از مدیران، هم‌زمان عضو هیأت علمی دانشگاه نیز باشند. این موارد در مجموع منجر به این شده که دانشگاه از رسالت اصلی خود در حل مشکلات جامعه باز بماند و باعث عمیق‌تر شدن فاصله‌ی آموزش و پژوهش مورد عمل با نیازهای روزمره‌ی کاربران متنوع شده است. خروجی و کیفیت حرفه‌ی وابستگی تام به ورودی سرمایه‌ی انسانی و فکری ناشی از کارکرد نظام تعلیم و تربیت آن دارد.

با توجه به موارد مذکور به نظر پیش‌بینی تاسیس انجمن محاسبین قسم‌خورده در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۳۵ در اجرای قانون مالیات‌ها، واقع‌بینانه و شوخی بیش نبوده و به همین دلیل محقق نشد.

◀ پیش‌شان دوم نظام حکمرانی و اقتصادی

نظام لیبرال دموکراسی در قرن هیجدهم در انگلستان و امریکا مبداء اصلی شکل‌گیری دانش و حرفه‌ی حسابداری و عامل جهش و رشد خیره‌کننده‌ی آن بوده است. کشورهای مستعمره‌ی سابق انگلستان بیش‌تر به نهادهای حرفه‌ای انگلستان گرایش داشته‌اند و در این‌گونه از کشورها دانش و حرفه‌ی حسابداری بر مبنای الگوی انگلیسی تدریس و پیاده شده و کشورهایی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی تحت نفوذ امریکا بوده‌اند، مدل آمریکایی در آن‌ها شکل گرفته است. کشورهایی هم روش گلچینی را انتخاب

کرده و دانش و حرفه را کاملاً متناسب شرایط و مناسبات بومی خودشان پیاده کرده‌اند. بنابراین نظام‌های حکمرانی دموکراتیک تا خودکامه طیف وسیعی را شامل می‌شود و هرچه قدر نظام حکمرانی بر مبنای مدل کارگماری و کارگزاری استوار باشد، پاسخ‌گویی، حسابدهی و گزارشدهی نهادینه و حسابداری بیش‌تر به حساب گرفته شده و هر قدر نظام حکمرانی به سمت خودکامگی گرایش داشته، حسابداری کم‌تر مورد احتیاج و نیاز بوده است. دولت‌های لیبرال، محافظه‌کار و خودکامه سیاست‌های متفاوتی نسبت به نهادهای مدنی و حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی داشته‌اند. حسابداری به‌عنوان نظام اطلاعاتی ابزاری برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه، درست و به‌جای اقتصادی، تخصیص بهینه‌ی منابع محدود و کمیاب، برنامه‌ریزی و اعمال نظارت مالی، حسابدهی، شفافیت، پاسخ‌گویی و مهد آن بازار آزاد است. حسابداری در خلاء رشد و توسعه پیدا نمی‌کند بلکه تابع عوامل محیطی و آیینی تمام‌نمای آن و هرگز رویین‌تن و نامیرا نیز نبوده، در صورت کامیابی اقتصاد، سیاست و حکمرانی نیز به تبع آن کامیاب می‌شود.

در غیر این‌صورت هیچ‌گاه اعتلای مستقل نداشته است. اقتصاد دولتی، سنتی، متکی به فروش منابع معدنی، نابازار، رشد اقتصادی پایین و منفی، محیط بایر، ملتهب، بی‌ثبات، ناامن، جنگ و تحریم اقتصادی و... بسیاری از وظایف و رسالت‌های حسابداری را ساده و آن را در حد دفترداری تقلیل داده و رهیافت آن انحصار، رانت، فساد، نرخ‌های دستوری، تورم مزمن، عدم شفافیت و پاسخ‌گویی، فقدان چشم‌انداز روشن و تضعیف، و افول حسابداری است.

◀ پیش‌ران سوم اتکا به منابع مالی مالیاتی

بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ در کشورهای پیشرفته، مالیات رکن و سهم اصلی را در تأمین منابع مالی دولت در اداره‌ی امور کشور عهده‌دار شد. پیش‌نیاز نظام مالیات‌ستانی کارآمد به حساب گرفتن حسابداری بود. تشخیص مالیات بر مبنای رسیدگی به دفاتر و صورت‌های مالی حسابرسی شده باعث شد حسابداری و حسابرسی در بطن واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی به صورت مویرگی ریشه بدواند. فرار مالیاتی بزرگ‌ترین جرم

و گناه نابخشودنی به حساب آمد. به حساب گرفتن حسابداری در این گونه از کشورها مدیون نظام مالیات‌ستانی کارآمد و مقتدر است که سهم اصلی در تأمین منابع مالی دولت دارد. در صورتی که در کشورمان به دلیل اتکای بودجه‌ی کشور به درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی و نفت و عدم توجه جدی به منابع مالیاتی برای تأمین هزینه‌های دولت، نظام مالیاتی بیش‌تر بر مبنای توافق، مقطوع و علی‌الرأس پایه‌گذاری شده تا رسیدگی به دفاتر و صورت‌های مالی حسابرسی شده، فرار مالیاتی و داشتن دفاتر دوم و سوم نشانه زرنگی و بخشی از فرهنگ کسب‌وکار شده است. از ظرفیت گسترده‌ی این پیش‌ران هم در کشورمان استفاده مطلوب نمی‌شود. اطلاعات مالی واقعی طیف گسترده‌ای از شرکت‌ها هنوز جزو رمز و رازها تلقی می‌شود. طی ۵۰ سال گذشته نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشور کم‌تر از ۸ درصد بوده که در مقایسه با ۳۰ درصد متوسط این شاخص در کشورهای پیشرفته خود گویای فاصله‌ی عمیق این حوزه با وضعیت مطلوب دارد. از نزدیک به ۳۱۰ هزار اظهارنامه‌ی مالیاتی مؤدیان حقوقی تسلیمی، تنها نزدیک به ۱۰ درصد آن حسابرسی می‌شود. نظام نظارت مالی ما بر مبنای محصول - محور طراحی شده یعنی ارایه‌ی صورت‌های مالی حسابرسی شده هفت ماه بعد از پایان سال مالی توسط مؤدی؛ در صورتی که در کشورهای پیشرو نظام نظارت مالی سیستم - محور جایگزین شده و مؤدی از مرحله‌ی تکمیل اظهارنامه‌ی مالیاتی تحت نظارت مالی قرار می‌گیرد. علی‌رغم پیش‌بینی حسابرسی مالیاتی در قانون مالیات‌های مستقیم از ظرفیت حرفه‌ی حسابرسی در این زمینه استفاده نمی‌شود. در مورد نزدیک به ۱۲۰۰ هزار اظهارنامه‌ی مالیاتی مؤدیان حقیقی تسلیمی و نزدیک به



۳۱۵ هزار اظهارنامه‌ی مالیات بر ارزش افزوده‌ی مؤدیان حقوقی تسلیمی، هیچ گونه حسابرسی صورت نمی‌گیرد. هم چنین به دلیل تعارضات اصول و ضوابط حسابداری با قوانین و مقررات مالیاتی، این پیشران در کشورمان در برخی مواقع معکوس عمل می‌کند و باعث شده که اصول و ضوابط حسابداری در تاروپود واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی گسترده نشود.

◀ پیشران چهارم بازارهای پول و سرمایه

بورس اوراق بهادار محل دادوستد اطلاعات مالی حسابرسی شده است. تولید اطلاعات مالی توسط حرفه‌ی حسابداری و اطمینان‌بخشی به آن توسط حرفه‌ی حسابرسی مستقل صورت می‌گیرد. بورس لندن ۱۸۰۱ و بورس نیویورک ۱۸۱۷ تأسیس شدند و سرمایه‌داری مالی یکی از پیشران‌های اصلی حسابداری به‌ویژه از نیمه‌ی دوم قرن بیستم بوده است. عمق بازار سرمایه و بازار بدهی و ابزارهای مالی متنوع آن و معاملات اولیه و ثانویه‌ی گسترده و بازار کارای سرمایه (متکی به اطلاعات مالی) یکی از عوامل شکوفایی و قدرت مجذوب‌کننده‌ی حرفه‌ی حسابداری شده است. مؤسسات حسابرسی دیلویت ۱۸۴۵، پرایس واتر هاس ۱۸۴۹، کوپرز ۱۸۵۴ و ارنست اند یانگ ۱۸۷۰ به‌عنوان چهار مؤسسه‌ی حسابرسی بزرگ بین‌المللی بخش عمده‌ی شرکت‌های فعال در بازار سرمایه در جهان را حسابرسی می‌کنند. جالب این‌که مؤسسه‌ی حسابرسی پرایس واتر هاس در سال ۱۹۰۳ اولین گزارش حسابرسی شرکت فولاد امریکا Us Steel را به صورت داوطلبانه جهت اطمینان بازار سرمایه منتشر کرد.

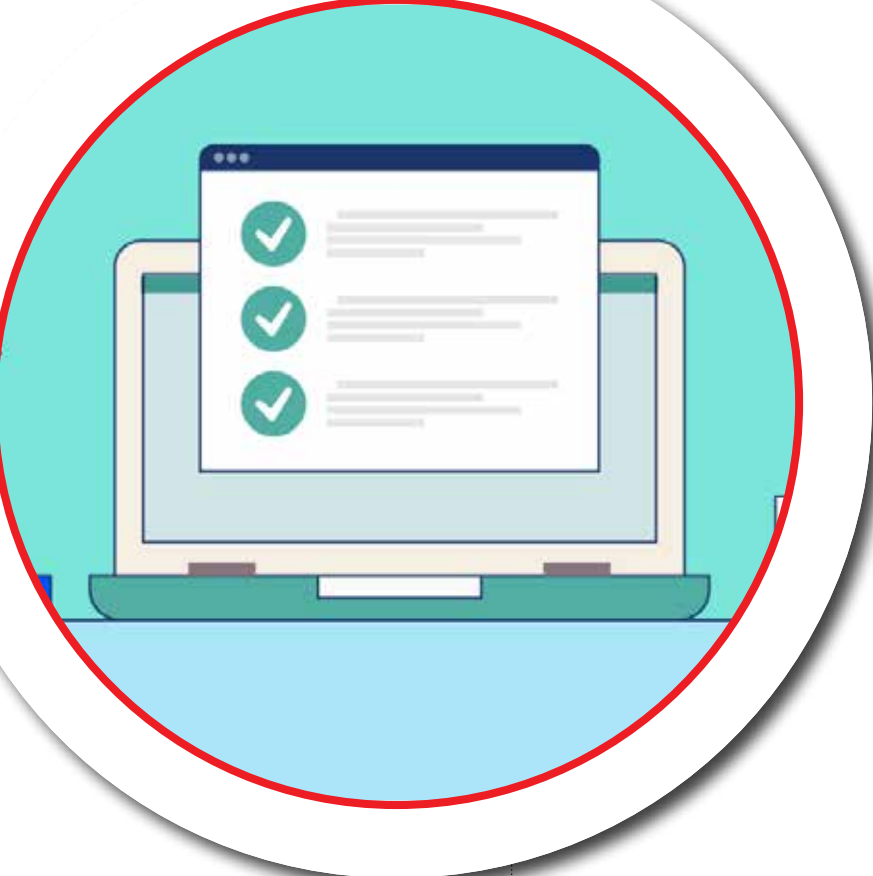
در کشور ما، دهه‌ی ۴۰ با تصویب قانون تأسیس سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران ۱۳۴۵، اصلاح

قانون مالیات‌ها و پیش‌بینی استفاده از خدمات حسابداران رسمی برای اولین بار در ۱۳۴۵، تأسیس اولین مؤسسه‌ی حسابرسی ۱۳۴۵، اصلاح قانون تجارت بخش شرکت‌های تجاری ۱۳۴۷ و سپس تأسیس تعدادی دیگر مؤسسه حسابرسی و ورود و فعالیت مؤسسات حسابرسی بین‌المللی، طلوع حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی تلقی می‌شود. از شروع معاملات در بورس اوراق بهادار تهران تا انقلاب اسلامی سهام حدود ۱۰۰ شرکت در بورس پذیرفته و دادوستد شده و در حال حاضر نیز نزدیک ۶۵۰ شرکت در بورس پذیرش شده و سهام آن‌ها معامله می‌شوند. نظر به ظرفیت قانونی و حرفه‌ای بازار سرمایه در ایجاد تقاضا برای خدمات حسابداری و حسابرسی در این زمینه تنها خدمات حسابرسی مستقل صورت‌های مالی به مؤسسات حسابرسی «معمد» تخصیص داده شده و خدمات متنوع غیرحسابرسی که ظرفیت ارایه‌ی آن در مؤسسات حسابرسی وجود دارد به صورت انحصاری به نهادهای مالی واگذار شده است و بدین ترتیب به‌طور

قانونی از رشد و توسعه‌ی مؤسسات حسابرسی جلوگیری شده است. در صورتی که ظرفیت و صلاحیت ارایه‌ی خدمات مشاوره‌ی پذیرش، ارزش‌یابی دارایی‌ها، پردازش اطلاعات مالی، رتبه‌بندی، شرکت‌آزمایی، ادغام و تملک و تجدید سازمان، طراحی مدل‌های پایش و مدیریت ریسک، آموزش حرفه‌ای ارکان راهبری بنگاه نسبت به مسئولیت‌های قانونی و حرفه‌ای، آموزش مبارزه با پول‌شویی و فساد و تقلب و... در مؤسسات حسابرسی وجود دارد.

ارایه‌ی خدمات تخصصی در بازار سرمایه‌ی کشورمان بر اساس مجوز، انحصار و مقررات نانوشته پایه‌گذاری شده که سرنوشت محتوم آن فساد ساختاری خواهد بود. در صورتی که مؤسسات حسابرسی بین‌المللی در بازارهای سرمایه‌ی جهان نزدیک به ۱۰۰ نوع خدمت تخصصی و حرفه‌ای را بر پایه‌ی رقابت به ناشران بازار ارایه می‌نمایند. ارایه‌ی خدمات اطمینان‌بخشی؛ حسابرسی صورت‌های مالی، رعایت مسئولیت‌های اجتماعی، محیط زیست، سرمایه‌ی فکری، اجتماعی، دیجیتال،





مالیاتی، خاص، دادگاهی، رعایت قراردادهای، رعایت قوانین و مقررات، رعایت الزامات قانونی بانکها، رعایت الزامات قانونی بازار سرمایه، بازرسی و نظارت مستمر، بررسی اجمالی صورت‌های مالی، رسیدگی به اطلاعات مالی آتی، خدمات آموزشی و پژوهشی، آموزش استانداردهای حسابداری، حسابرسی، گزارشگری مالی، بخش عمومی، قوانین و مقررات، نیازسنجی آموزش حرفه‌ای، استخدام، ارزیابی و آموزش مدیران، مسئولیت‌های حرفه‌ای و قانونی مدیران، رهنمودهای حرفه‌ای، دستورالعمل‌های کاربردی، کتب همراه، خدمات مالی، اجرای روش‌های توافقی رسیدگی به اطلاعات مالی، تنظیم اطلاعات مالی، مدیریت مالی، مدیریت دارایی و بدهی، مدیریت سرمایه در گردش، مدیریت منابع مالی، مدیریت ریسک، تقلب، تدوین اصول و ضوابط حرفه‌ای، ارزش‌یابی دارایی‌ها، بهبود گزارشگری مالی، فناوری گزارشگری مالی، طرح توجیه اقتصادی پروژه‌ها، تغییر استانداردهای حسابداری، تهیه صورت‌های مالی بر مبنای IRFS، خدمات مشاوره‌ی مدیریت، مالیات عملکرد، حقوق، ارزش افزوده، حل اختلافات مالیاتی، سیاست‌های مالیاتی، برنامه‌ریزی و شفافیت مالیاتی، حسابرسی داخلی، راهبری شرکتی، پایداری شرکتی، ریزه‌کاوی عملیات، بهینه‌سازی فرایندهای عملیاتی، تجدید سازمان، اصلاح ساختار، تحقیق و توسعه، محافظت از شرکت، شتاب‌دهی به رشد و توسعه، تحول کسب‌وکار، تدوین استراتژی کسب‌وکار، توسعه‌ی بازار، چابک‌سازی سازمان، دگرگونی سازمانی، چشم‌انداز تجاری، انعطاف‌پذیری، تغییرات اقلیمی، مالکیت معنوی، رقابت‌پذیری، تحقیقات بازاریابی، حقوق تجاری و مالی، شبکه‌ی جهانی نیروی ماهر، تأمین نیروی انسانی ماهر، مدیریت منابع انسانی،

مصاحبه، ارزیابی و جبران خدمات کارکنان، تدوین استراتژی تجارت بین‌المللی، زنجیره‌ی بلوکی، زنجیره‌ی تأمین، ساده‌سازی فرایندها، حسابرسی سبد سرمایه‌گذاری، فروش سهام، کارآفرینی، مبارزه با پول‌شویی، مبارزه با رشوه و فساد، مدل‌های مشتری‌محوری، مدیریت بحران، نگهداری و جوجه‌بازنشستگی، اکچوئری، مدیریت فناوری‌های اطلاعات، هوش مصنوعی، فناوری‌های نوپهور، اتوماسیون هوشمند، بلاک چین، رمز ارز، امنیت و دفاع سایبری، تحلیل داده‌ها، حفظ محرمانگی، دیجیتال‌سازی، محافظت از داده‌ها، اینترنت، استارت‌آپ‌ها و جز آن بخشی از این فهرست بلندبالای انواع خدمات ارائه شده‌ی مؤسسات حسابرسی است. گزارشگری مالی بازار سرمایه وجوه مختلفی دارد. وجه اطمینان‌بخش آن در مقایسه با سایر وجوه گزارشگری مالی عقب‌ماندگی عمیقی به لحاظ نفوذ خدمات و ارزش‌آفرینی و ثروت طی ۵۰ سال گذشته دارد و حرفه‌ی حسابرسی به جای رشد و توسعه‌ی همسان به نوعی تحریم و منجمد شده است. بازار سرمایه به عنوان ذی‌نفع کلیدی حرفه اختیارات زیادی در جهت دهی به حرکت حرفه

می‌تواند ایفا کند. توسعه‌ی تدریجی منظومه‌ی گزارشگری مالی در بازار سرمایه باعث توسعه و نهادینه شدن حرفه‌ی حسابداری می‌شود.

بازار پول در زمینه‌ی اعطای تسهیلات مالی، نحوه‌ی مصرف تسهیلات بانکی، تخصیص ارز، برگشت ارز، یاری به وظایف نظارتی بانک مرکزی و... از قابلیت حرفه بسیار می‌تواند استفاده نماید. در صورتی که این چنین نشده و بیش‌تر به روش سنتی تنها صورت‌های مالی حسابرسی‌شده در پرداخت تسهیلات مالی دریافت می‌شود.

◀ پیش‌ران پنجم تشکل‌های حرفه‌ای فراگیر

حسابداری در موطن اصلی‌اش ایتالیا در سال ۱۵۸۱ صاحب اولین انجمن حرفه‌ای شده و سال ۱۷۴۲ اقدام به تعیین نخستین تعرفه‌ی خدمات حسابداران رسمی کرده است. در انگلستان اولین حرفه‌ی حسابداری تشکیل و در آمریکا اولین انجمن حرفه‌ای در سال ۱۸۵۴ نخستین انجمن حرفه‌ی حسابداری در سال ۱۸۸۲ با حدود ۱۰۰۰ عضو شکل گرفت. سپس بر مبنای نظام بازخورد، بهبود مستمر، ادغام‌ها، انحلال‌ها و تأسیس‌های مکرر



داخلی نیز کم‌تر از ۵۰ عضو خبره‌ی فعال دارند. سایر انجمن‌های علمی و حرفه‌ای نیز در پایگاه اطلاع‌رسانی خود گزارش و آماری از فعالیت و تعداد اعضایشان منتشر نکرده‌اند. این درحالی است که حدود ۵ هزار عضو هیأت علمی گروه حسابداری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی فعالیت می‌کنند و در مرجع ثبت شرکت‌ها نزدیک به ۱٫۸۰۰ هزار شخص حقوقی دارای شناسه‌ی ملی هستند و ۳۱۰ هزار شخص حقوقی اظهارنامه‌ی مالیاتی تسلیم نموده و نزدیک به ۵ هزار شرکت در بازار سرمایه، پول و بخش عمومی و نزدیک ۳۵۰۰ واحد گزارشگر بخش عمومی در کشور فعالیت می‌کنند.

با توجه به آمار مزبور به نظر می‌رسد تشکل‌های حرفه‌ای فراگیری لازم را ندارند. تشکل‌های حرفه‌ای نقش اندیشکده و قرارگاه پشتیبانی حرفه را بر عهده دارند و باید با خانه‌تکانی اساسی و بازکردن درها و پنجره‌ها باعث شوند هوای تازه در مناسبات حرفه جریان یابد.

◀ پیشران ششم اصول و ضوابط حرفه‌ای و اخلاقی

نخستین مسأله اصول و ضوابط حرفه‌ای است پیچیدگی و گوناگونی محیط اقتصادی حسابداری و بهره‌گیری از زبان حسابداری در زبان تجارت قاعده‌گذاری حسابداری را در سطح ملی الزامی کرد. بحث حسابداری همسان در سال ۱۹۱۷ مطرح و سپس کمیته‌ی رویه‌های حسابداری ۱۹۳۶، هیأت اصول حسابداری ۱۹۵۷ و هیأت استانداردهای حسابداری ۱۹۷۲ بر تدوین استانداردهای حسابداری تأکید کردند. سپس با عنایت به بازارهای سرمایه‌ی بین‌المللی و فعالیت شرکت‌های چندملیتی، هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری در سطح بین‌المللی ضرورت پیدا کرد. در سال

گرفته و آن جوشش، رویش، کشش، جذابیت و مشارکت همه‌جانبه‌ی اصحاب دانش و حرفه و اثر، ثمر و ارزش‌آفرینی قابل‌ملاحظه درون حرفه‌ای و رد وجودی و عرض‌اندام ملی و بین‌المللی را ندارند. حتی نسل بعدی علاقمند، این کنشگری حرفه‌ای را در حد مدیریت یک کانال یا گروه تلگرامی تقلیل داده‌اند. به این دلیل در مقطع انقلاب اسلامی می‌بینیم که کانون به‌راحتی دود شد و هوا رفت. چون اهمیت نداشتند و آن رگ و ریشه و پشتوانه‌ی گسترده و نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری فراگیر را نداشتند.

جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در سال ۱۳۸۰ پس از یک دوره‌ی فترت ۲۰ ساله با سلطه‌ی دولت بر کلیه‌ی شئون آن راه‌اندازی شد و در حال حاضر به‌عنوان نهاد قانونی حرفه، با وظایف حاکمیتی، نظارتی و آموزشی، نزدیک ۲٫۷۰۰ عضو، همراه با نزدیک ۱۰٫۰۰۰ نفر کارکنان حرفه‌ای شاغل در مؤسسات حسابرسی، در حرفه‌ی حسابرسی مستقل مشغول فعالیت است. هم‌چنین انجمن حسابداران خبره ایران نزدیک به ۷۵۰ عضو خبره، انجمن حسابداری ایران نزدیک به ۳٫۵۰۰ عضو پیوسته، انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران کم‌تر از ۱۰۰۰ عضو و انجمن حساب‌رسان

در نهایت به فرهیختگی و استحکام امروز رسیده‌اند. در امریکا تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) تنها ۹ هزار حسابداری مشغول ارائه‌ی خدمات حرفه‌ای بوده‌اند و در سال ۱۹۷۳ این تعداد به ۹۵ هزار حسابداری رسمی و در سال ۱۹۹۶ به ۳۵۰ هزار و در سال ۲۰۲۰ به ۶۵۰ هزار حسابداری رسمی بالغ شده است. در ایران در اجرای قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۴۵ اساسنامه‌ی کانون حسابداران رسمی مورخ ۱۳۵۲/۱۲/۱۸ تصویب و در تاریخ ۱۳۵۲/۱۲/۲۵ اولین مجمع عمومی آن برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تشکیل شد. لیکن این تشکل از بطن حرفه رویش نکرد و توسط مقامات دولتی و بیش‌تر با مقاصد مالیاتی شکل گرفت. به‌صورتی که بعد از در مقطع توقف فعالیت در خرداد ۱۳۵۹ به لحاظ شرایط خاص سیاسی و اقتصادی و مباحث حسابداری و حساب‌رسان مکتبی و اسلامی، با تعداد ۱۲۸ حسابدار رسمی فعالیت کرده بود. انجمن حسابداران خبره‌ی ایران از تأسیس در سال ۱۳۵۱ تا مقطع انقلاب اسلامی تنها ۱۷۴ عضو داشته است. انجمن‌افروزی در حرفه توسط پیشکسوتان و کارگزاران دانشگاه و حرفه از سر عشق، علاقه و دل‌مشغولی صورت

۱۹۷۳ کمیته‌ی استانداردهای بین‌المللی حسابداری شکل گرفت و سعی کرد که بین استانداردهای ملی کشورهای مختلف و استانداردهای بین‌المللی در زمینه‌ی حسابداری نقاط مشترکی ایجاد کند. بنیاد استانداردهای بین‌المللی حسابداری به توسعه‌ی این استانداردها پرداخت تا این‌که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشر شد و در سال ۲۰۰۲ نیز اتحادیه‌ی اروپا موافقت کرد که از ابتدای سال ۲۰۰۵ این استانداردها را در کشورهای عضو عملیاتی کند. در سال‌های بعد نیز کشورهای بیشتری به این استانداردها پیوسته‌اند. در حال حاضر نزدیک به ۱۷۰ کشور این استانداردها را پذیرفته‌اند و از آن در تهیه‌ی صورت‌های مالی استفاده می‌کنند.

در کشور ما، از سال ۱۳۸۰ استانداردهای حسابداری لازم‌الاجرا و سپس همگرایی و هماهنگ‌سازی آن با استانداردهای بین‌المللی انجام شد، اما استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری بخش عمومی علی‌رغم ترجمه تاکنون اجرا نشده و استانداردهای حسابداری واحدهای کوچک و متوسط متناسب با محیط اقتصادی کشور، استانداردهای حسابرسی داخلی، استانداردهای ارزیابی دارایی‌ها و... تا کنون تدوین نشده است. استانداردهای حسابداری به‌عنوان قواعد رسمی نوعی رسمیت، مشروعیت و اقتدار به حسابداری و گزارشگری مالی می‌دهد. در نتیجه، با فقدان این‌گونه مقررات حرفه‌ای یکی از پشتوانه‌ها و پیشران‌های حیاتی تثبیت تقاضا برای حسابداری را از دست می‌دهیم.

مسأله‌ی دوم آیین اخلاق و رفتار حرفه‌ای است. وجود آیین اخلاق و رفتار حرفه‌ای و پایبندی به آن، به حرفه اعتبار، قرب و منزلت می‌بخشد و باعث می‌شود عموم با رغبت تمام و اطمینان خاطر از انواع خدمات حرفه‌ای استفاده

کنند. میزان بهره‌مندی اجتماع از وجود و کارکرد حرفه و میزان پایبندی حرفه‌ها به حفظ منافع عمومی، راز ماندگاری و پایداری آن‌ها بوده است. گرچه اخلاق حرفه‌ای متأثر از اخلاق عمومی و حسنه‌ی جامعه است و هر چه قدر اخلاق حسنه در جامعه جاری شده باشد به تأثر از آن اخلاق حرفه‌ای هم رعایت و نهادینه می‌شود و بالعکس نیز صادق است. لیکن باید به این محدودیت توجه کرد که در مدینه فاسده امکان

تضمین و هزینه‌ی آن را صفر کند. نه این‌که زندگی و کار شرافتمدانه پرهزینه و محال شود. برای مثال در این وضعیت ترافیکی چگونه می‌توانیم درست رانندگی کنیم؟ چه بسا به‌ناچار و برخلاف میل باطنی و برای تنزاع بقا به رانندگی خلاف آیین‌نامه‌ها سوق پیدا کنیم. ولی در کشورهای پیشرفته همه ما را وادار به رانندگی خوب می‌کنند و همه اجازه‌ی رانندگی بد به ما نمی‌دهند و همه هزینه‌ی سلامت و انضباط



ندارد ابرمرد و انسان نیکوکار شد. خلاف جهت رودخانه برای همیشه نمی‌توان شنا کرد. مگر می‌شود در فضای سراسر فساد و بی‌حساب و کتاب، طهارت محض بود، شرایط و جو غالب اکثریت را مطیع و دنباله‌رو و اقلیت را خانه‌نشین می‌کند. فرهنگ جامعه، حاکمیت اخلاق، سرمشق‌های عینی و متکثر آن، آدم درستکار، صادق و شریف تربیت می‌کند و تحویل می‌دهد. جامعه باید زندگی و کار شرافتمند را

جامعه را تقبل می‌کنند. از سوی دیگر نیز باید توجه کنیم که زیربنای اصلی حرفه‌ی ما اخلاق است و منابع حرفه به عموم تعلق می‌یابد. نباید اجازه بدهیم به همین بهانه‌ها کسی آن‌را به بازی بگیرد، آلوده، صادره، بی‌حرمت، لکه دار و لجن مال کند. ما حق نداریم در برابر مظلومی که - حتی اندک - نسبت به آن می‌کنند سکوت اختیار کنیم و بی‌تفاوت باشیم. اگر نمی‌توانیم کژی‌ها را ساقط کنیم، رسوا که می‌توانیم. در

ورزش‌های رزمی برای شکستن دیوار سنگی فقط با اندکی فاصله‌گذاری بین هریک از رشته سنگ‌ها، با کوچک‌ترین ضربه کل دیوار خرد می‌شود. در صورتی که اگر آن فاصله نبود امکان خرد شدن دیوار محال بود شکنندگی حرفه هم از همین فاصله‌هاست. ما همه در سلامت بخشیدن به حرفه‌ی خودمان مسئول هستیم و باید سهمی در این زمینه داشته باشیم. نمی‌شود که فقط نظاره‌گر و محافظه‌کار و یا توجیه‌کننده و کاسب‌کار بود. اگر اجتماع احساس کند این حرفه فاقد اصول اخلاقی است و نسبت به آن سوءظن پیدا کند، بار دیگر حرفه مثل مقطع انقلاب نابود می‌شود. ضامن ماندگاری حرفه، شکوه، عظمت و آینده‌ی روشن آن پایبندی جدی به اصول بنیادین آیین اخلاق و رفتار حرفه‌ای است. درستکاری، راستگویی، صداقت، آداب و رفتار حرفه‌ای، اعتماد، قبول داشتنن همدیگر و... نباید کیمیا باشد. به نظر می‌رسد حرفه علی‌رغم ظرفیت، لیاقت، شایستگی، سرمایه‌های انسانی بی‌نظیر و اکثریت درستکار و پاک‌دست، چوب رفتار و عملکرد اقلیت را می‌خورد، و در مقابل غفلت از این امر همان اکثریت خانه‌خواب می‌شود.

◀ پیشران هفتم شناخت قانونی

در پیشینه‌ی تاریخی مراجع حرفه‌ای، فرامین حکومتی و پشتوانه‌ی قانونی و ضمانت اجرایی مربوط شرط لازم شکل‌گیری و مشروعیت بخشیدن به حرفه تلقی می‌شود ولی شرط کافی پیشرفت آن نیست. حرفه وقتی به توسعه‌ی پایدار خواهد رسید که مورد پذیرش، اعتماد و مقبولیت عمومی قرار گیرد. به عبارت دیگر زمانی که بتواند از یک تشکل حرفه‌ای و مدافع منافع صنفی به یک سرمایه‌ی اجتماعی و حافظ منافع عمومی تبدیل شود. رشد و توسعه‌ی حرفه مرهون همگامی پیشران‌های کلیدی در مسیر پر

پیچ‌وخم، سنگلاخ و دشوار است. به راحتی و سادگی نیست که به صرف قانون و بدون رنج، سختی، گذشت از منافع فردی، فداکاری و مجاهدت حرفه به صورت تصادفی، اتفاقی و قارچ‌گونه به درخشش و پایداری دست یابد. قناعت صرف به جنبه‌های الزام قانونی ما را در لاک دفاعی، خودبزرگ‌بینی، کاهلی،

رفتاری جامعه‌طی نشده بود و فقط از اسم و ظواهر مدرنیزاسیون استفاده می‌شد و رسوم و ریشه‌های آن مغفول و جاری نشده بود. این هنر اهالی حرفه است که با کارنامه‌ی درخشان، با جریان هم‌افزایی و همگرایی، باروری لازم را در محرک‌های کلیدی ایجاد کنند و فقط دل‌خوش به اقتدار قانونی نباشند. اتکای



بی‌مهارتی، بی‌هنری، فرصت‌سوزی و رشد بادکنکی نگه می‌دارد و مانع از تلاش و کوشش برای ارتقای قابلیت، ظرفیت، مهارت، روزآمدی، کارآمدی و بهره‌وری می‌شود و در نهایت نحیف و ناقص‌الخلقه می‌مانیم. راحت عاجل عاقبت محنت آجل می‌شود. گو این‌که در برخی کشورها و از جمله دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی نیز علیرغم وجود الزام قانونی تهیه و ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده، حسابداری و حسابرسی منزوی و کم‌فروغ بوده زیرا مبانی فلسفی و حرکت هماهنگ نوگرایی و بلوغ ساختاری، هنجاری و

صرف به اقتدار قانونی و مهیا نبودن سایر پیشران‌ها و زیرساخت‌های ضروری برای انجام حسابرسی نه فرصت بلکه تهدید محسوب می‌شود و حرفه را در وادی شکلی و رفع تکلیف قانونی سوق می‌دهد و آن را در نهایت به ابتذال می‌کشاند. پیامدهای آن امضافروشی و کاربرد گزارش حسابرسی همچون اخذ گواهی استراحت پزشکی خواهد بود. ساختارهای ظاهری ایجاد می‌شود هم‌رنگ قادر به رفع آن خارج از هماهنگی با تمامی مجموعه قطعات پیشران نخواهد بود.

◀ پیشران هشتم حسابرسی مستقل

حسابرسی از ارکان اساسی فرایند پاسخ‌گویی و شفافیت محسوب می‌شود. محصولات فرعی حسابرسی مستقل بسیار متنوع و در سطح گسترده‌ای تاثیرگذار و محرک و پیشران بوده‌اند. حسابرسی مستقل، باعث شکل‌گیری و نهادینه شدن مدیریت مالی حرفه‌ای، حسابرسی داخلی حرفه‌ای، حسابداری مدیریت حرفه‌ای، تعلیم و تربیت نیروی انسانی باکیفیت، استقرار نظام راهبری شرکتی، نهادینه شدن کنترل‌های داخلی، تقویت کمیته‌های حسابرسی، اطمینان از اجری قوانین و مقررات، اعتمادبخشی به اطلاعات مالی و... می‌شود. در مقابل، انجام شکلی و صرف قانونی و بدون کیفیت، مانع از شکل‌گیری، قوام و دوام چرخه و زنجیره‌ی گزارشگری مالی خواهد شد. بنابراین به حساب آمدن حسابرسی باعث به حساب‌گرفتن حسابداری و به حساب‌گرفتن حسابداری باعث توسعه‌ی حسابرسی می‌شود. حسابداری و حسابرسی لازم و ملزوم، وابسته و هم‌خون هستند. باید پشت هم باشیم و همدیگر را قبول، حمایت و تقویت کنیم و صف بلند حسد، کینه و خودشیفتگی را کوتاه کنیم.

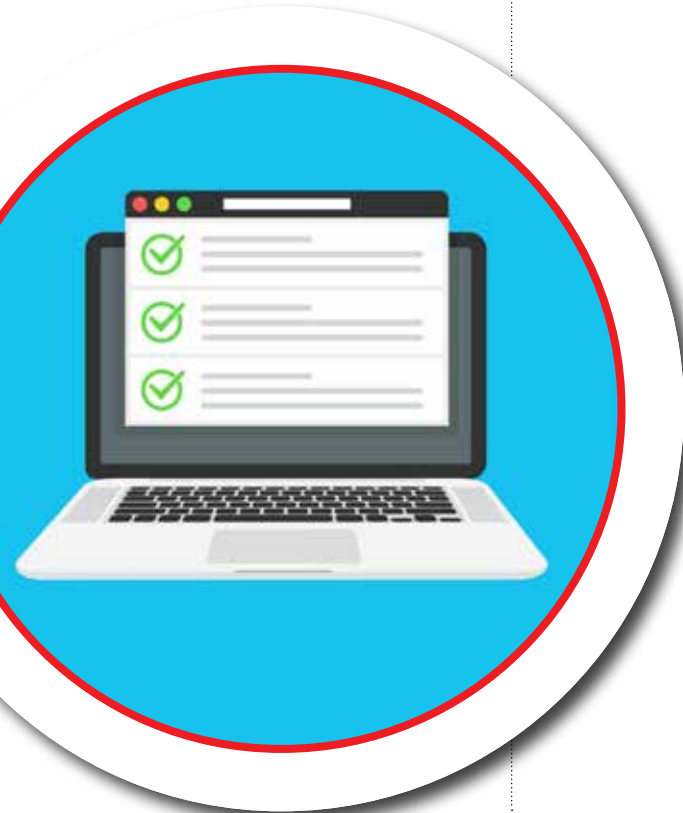
انواع مختلف حسابرسی شامل حسابرسی مستقل صورت‌های مالی، حسابرسی خاص، حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، حسابرسی بیمه‌ای و... است، خدمات حسابرسی بخشی از خدمات اطمینان‌بخشی است. خدمات اطمینان‌بخشی شامل بررسی اجمالی، رسیدگی به اطلاعات مالی آتی، اجرای روش‌های توافقی، تنظیم اطلاعات مالی و... می‌شود که در این حوزه نیز از ظرفیت و پتانسیل‌های گوناگون خدمات اطمینان‌بخشی استفاده‌ی مطلوب نمی‌شود و عمدتاً به حسابرسی مستقل صورت‌های مالی منحصر شده است.

◀ پیشران نهم فعالیت مؤسسات

حسابرسی بزرگ و بین‌المللی

نقش بی‌بدیل مؤسسات حسابرسی به‌عنوان ویتترین و کانون حرفه در ارائه‌ی خدمات تخصصی متنوع، کارآفرینی، ارزش‌افزایی، مولد ثروت، تعلیم و تربیت نیروی انسانی، ترویج اخلاق حرفه‌ای، قانون‌گرایی، اقتدار حرفه، بسط نظارت مالی، تجهیز منابع مالی و... برای هرگونه رشد و پیشرفت حرفه‌ای غیر قابل‌انکار است. به همین دلیل شایسته‌ی حداکثر توجه، صیانت، حمایت و مراقبت است. از آن‌جا که هدف حسابرسی چیزی جز شفاف‌سازی و ایجاد پاسخ‌گویی نیست، مؤسسات حسابرسی باید در فرایند ارائه‌ی خدمات تخصصی دارای ساختارهای حرفه‌ای و مناسبات کاملاً شفاف و روشن در روابط میان شرکا، کارکنان و صاحب‌کاران خود باشند. پیشرفت و توسعه‌ی حرفه به شکل مؤسسه‌داری سنتی، منحصر به شرکای مؤسس، کوچک، جزیره‌ای، آب‌باریکه‌ای، درویش‌مسلكی و تک‌محوری امکان‌پذیر نیست و نیازمند از محاق درآمدن و به‌کارگیری و بازآفرینی الگوهایی نوین کسب‌وکار حسابداری و حسابرسی با سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های فکری از دانش و مهارت‌های مختلف، منابع انسانی ماهر و چابک، فناوری‌های پیشرفته، ارائه‌ی خدمات تخصصی نوآورانه، فناورانه، با کیفیت بالا، ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی، شعب گسترده، ارزش‌آفرینی برای مشتریان و مواردی از این دست است. ارائه‌ی خدمات متنوع، باکیفیت و رقابتی ضامن رشد و توسعه‌ی حرفه است. مدل توسعه‌ی مؤسسات حسابرسی بزرگ بین‌المللی مدل رشد طبیعی و تدریجی نبوده بلکه با مؤسسات حسابرسی تک‌شریکه آغاز و با ادغام‌های پی‌درپی و تمرکز بر خدمات غیر حسابرسی و ایجاد تنوع در آن همراه با برندسازی

بوده است. امروز بیش از ۶۰ درصد درآمد مؤسسات حسابرسی بزرگ از محل درآمدهای غیر حسابرسی حاصل می‌شود. خدمات حسابرسی به دلیل حاشیه‌ی سود پایین، حق‌الزحمه بر مبنای ساعات کار (فروش زمان)، نرخ رشد سالیانه‌ی اندک، ضرب‌الاجل‌های غیرمنطقی و استرس، فصلی بودن، دامن‌های محافظه‌کاری بالا، صرف پرستیژ صلاحیت قانونی، اصطکاک و استهلاک بالا، ریسک واخواهی قانونی و موارد دیگری از این دست است و نتیجه‌ی نهایی آن برد (صاحب‌کار) - باخت (حسابرس مستقل) است. در مقابل مزیت خدمات غیر حسابرسی در حاشیه‌ی سود بالا، حق‌الزحمه‌ی ناشی از تجارب و حسن شهرت (فروش دانایی و توانایی)، پرستیژ صلاحیت حرفه‌ای، افزایش مهارت کارکنان و در نتیجه ارتقای کیفیت خدمات، تأمین استقلال مؤسسه و نتیجه‌ی نهایی آن برد (مشتری) - برد (مؤسسه) است.



حسابرسی مستقل به معنای اخص کاری برای تمام فصول نیست، باید ظرفیت حرفه را به صورت حرفه‌ای برای تمام فصول ارتقا داد. به طور مثال شغل کلیدسازی در کشور کاری است زیر پله‌ای، نیمه‌وقت و فردی، ولی با ورود نسل جوان، تحصیل کرده، فناور و با انگیزه این شغل به ارایه‌ی انواع خدمات ایمنی و حفاظتی جهش و به بر خیابان‌های اصلی شهر ورود و به کسب‌وکاری تمام وقت و گروهی تبدیل شده است. در صورتی که برخی از ما هنوز نمی‌خواهیم هزینه‌های اداری فعالیت خود را متحمل شویم و بدون نصب تابلو و معرفی خود می‌خواهیم در فضایی با کاربری مسکونی و عدم حفظ شئون و ظواهر کسب‌وکار، همگان ما و خدمات ما را بشناسند و به ما ارزش و احترام بگذارند. در این میلیون‌ها تابلوی مشاغل مختلف نصب‌شده در سطح شهر سهم حرفه چقدر است؟ ما ابتدا باید خودمان به خودمان احترام بگذاریم و برای خدمات خود ارزش

قابل شویم و سپس از دیگران در این زمینه توقع داشته باشیم قدمی برای‌مان بردارند. ما به حسابرسی فقط به‌عنوان خرد فنی توجه داشتیم و تاکنون به آن به‌عنوان کسب‌وکار و فعالیتی که انواع و اقسام خرده‌ها را لازم دارد نگاه نکرده‌ایم. کلکسیون افتخارات حرفه در معرفی سالیانه‌ی مؤسسات حسابرسی بزرگ بین‌المللی به عنوان برترین کارفرما، پرداخت‌کننده‌ی بالاترین حقوق و مزایا، بهترین ارایه‌کننده‌ی آموزش ضمن خدمت، پرداخت بالاترین مزایا برای پدر و مادر شدن کارکنان، بهترین پیشرفت شغلی کارکنان و... ناشی از بکارگیری همین رویکرد بوده است. بنابراین تنها در پرتو شکل‌گیری و فعالیت مؤسسات حسابرسی بزرگ است که امکان حفظ استقلال باطنی و ظاهری، دریافت حق‌الزحمه‌ی واقعی خدمات، جذب و نگهداری نیروی انسانی باکیفیت، تعلیم و تربیت نیروی انسانی، کیفیت حسابرسی، آموزش حرفه‌ای مستمر، ارایه‌ی خدمات متنوع تخصصی، ارزش‌آفرینی، شهرت حرفه‌ای و برند سازی، تحقیقات حرفه‌ای، تبلیغات و معرفی حرفه، تخصص در صنعت، پیشرفت شغلی مستمر، دورنمای روشن مدیریت و شراکت، مدیران و شرکای از نسل‌های مختلف، حقوق و مزایای متناسب، یادگیری مستمر، ارائه‌ی بورس تحصیلی، کشف و نگهداری استعدادها، سازگاری به‌موقع با تحولات فزاینده، سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و دیگر مواردی از این دست میسر و پیشرفت و توسعه‌ی حرفه هموار می‌شود.

◀ پیش‌ران دهم حضور در عرصه‌های عمومی

حسابداری و حسابرسی بخشی از بدنه‌ی کسب‌وکار و جامعه‌ی مدنی است بنابراین برای پیشرفت آن باید اعضای حرفه به عرصه‌های عمومی، مسئولیت

اجتماعی و مناسبات قدرت وارد شوند و در جمع تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، اثرگذاران بر افکار عمومی و... حاضر شوند. حسابداری برای پیشرفت باید از بن‌بست کنونی خارج شود چون گودال را هر چه بکنی فقط عمیق‌تر می‌شود. برای پیشرفت حرفه، حضور با چراغ خاموش، در حاشیه، منفعل، منزوی و یا نیابتی، عاریتی، فیلترشده و محافظه‌کارانه جواب نمی‌دهد. باید گفت‌وگوی وسیع، سازنده و مثبت با ذی‌نفعان، ذی‌حقان و مخاطبان عام حرفه برقرار کرد. این امر مستلزم صرف وقت و هزینه و ارتقای توانایی و مهارت‌های نوشتاری و گفتاری، نیازمند سیاست‌ورزی، مشارکت فعال، همدلی و پویایی نخبگان، پیشکسوتان، فرهیختگان، عالمان، دلسوزان، منتقدین، پژوهشگران، و تمامی اهل فکر در حرفه است که با ارتباط، تعامل، تعاون، معاشرت، مذاکره، مناظره، گفتگو، اظهار نظر، مصاحبه، انتشار مقاله، کتاب، یادداشت و... در مورد مباحث جاری و روز، قابلیت و ظرفیت حرفه را به عموم معرفی و مسیر پذیرش عمومی حرفه را هموار کنند. نه این‌که این عرصه محدود به تخریب، نزاع، کشمکش، تریبون مغرضین، مطالب منفی اهالی حرفه علیه یکدیگر و خود حرفه باشد. به این دلیل است که می‌بینیم حسابداران رسمی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری امریکا، وزیر امور خارجه کانادا، رئیس دولت استرالیا و... ظاهر می‌شوند. در صورتی که در کشور ما حضور اعضای حرفه به عنوان سیاستمدار، دولتمرد، قانون‌گذار و جز آن به عدد انگشتان دست هم نمی‌رسد زیرا بسیاری از ما به‌جای حمیت حرفه‌ای و هموارسازی حضور، با بی‌تفاوتی، نگویش و تهمت‌پراکنی، انگیزه‌ی تلاش‌های جسته و گریخته‌ی فردی را هم از بین برده‌ایم. در صورتی که پیشرفت حرفه یتیم و بدون تأمین و پرداخت هزینه‌های حضور در عرصه‌های عمومی و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی



امکان پذیر نخواهد بود.

ده گام یادشده باید متوالی و هماهنگ برداشته شود تا به استحکام، فرهیختگی، پایداری و اعتلای حرفه برسیم. عمده‌ی این اقدامات در ید و اختیار حرفه به‌تنهایی نیست و پاشنه‌آشیل اصلی حرفه این است که با اقدامات درون حرفه‌ای و صرف خواست خود نمی‌تواند به پیشرفت درخور دست پیدا کند، و برای تنارع بقا بر مبنای الگوی تاب‌آوری باید بسوزد و بسازد تا امیدوار باشد روزی ققنوس‌مان از خاکستر بلند شود. لیکن نباید متوقف باشیم و بر مبنای حرکت جوهری و دگردیسی احساس وجود مشکلات مبنی بر یک نارضایتی، نگرانی و یا یک وضعیت نامطلوب و تبدیل آن‌ها به مسئله و حل آن‌ها الزامی است. همه باید مشکلات را رصد و پایش و حل آن‌ها را مطالبه کنند. زمانی که مشکل‌ها هرچند ساده در حرفه دیده و حل نشوند، چشم‌پوشی و رفتار کبک‌وار منجر به انباشتگی آن‌ها شده و تولید معضل می‌کند. معمولاً رفع معضل کاری دشوار، زمان‌بر و پر هزینه است. چالش‌ها ناشی از تحمیل عوامل بیرونی و ناظر بر واقعیاتی جدید، عینی، معطوف به آینده هستند که فراگیری و تأثیر آن، کل جامعه را به مبارزه می‌طلبد و برای پشت سر نهادن آن‌ها به تلاش گسترده‌ای نیاز است. مشکل، مسئله، چالش و معضل دست‌اندازی در برابر حرکت گام‌به‌گام حرفه به سوی پیشرفت و شکوه است و بطور جدی رشد و توسعه آن را مختل و کند می‌کند. مشکلات و مسائل داخلی حرفه که گریبانگیر حرفه شده است، شامل مؤسسه‌داری سنتی، تک‌محصولی و فقدان تنوع خدمات، حق‌الزحمه‌ی پایین، نرخ‌شکنی و رقابت ناسالم، شرکت در مناقصه، کیفیت حسابرسی، سنجش کیفیت حسابرسی، استقلال حسابررس، پایین بودن حقوق و مزایای کارکنان، عدم توجه به جایگاه نسل جوان، عدم اشراف به موضوعات



غیر حسابرسی (فنون مدیریت، مباحث اقتصادی و روز، درک عمیق از مسئولیت حرفه‌ای، تسلط به فرایندهای کسب‌وکار، تحلیل آماری، نرم‌افزارهای کاربردی، زبان انگلیسی و...)، عدول از آیین اخلاق و رفتار حرفه‌ای، هزینه‌ی پایین تخلفات حرفه‌ای، عدم نظارت همگانی هم‌پیشگان، فقدان جانشین‌پروری، میانگین سنی بالا، فقدان بازنشستگی حرفه‌ای، عدم حضور در مناسبات عمومی و... است.

چالش‌های بیرونی آن نظام حکمرانی و اقتصادی، فقدان فرهنگ پاسخ‌گویی و حسابدگی، عدم حاکمیت اخلاق و قانون، فقدان فرهنگ کار گروهی، فرهنگ نظارت‌گریزی، فرهنگ فردگرایی، متناسب نبودن استانداردهای حسابداری و حسابرسی، نهادینه شدن مدیریت سود و گزارشگری مالی متقلبانانه، عدم اجرای نظام راهبری شرکتی، تمکین قانونی به حسابرسی نه نیاز به آن، تغییر حسابررس، عدم ضمانت اجرایی مفاد گزارش حسابرسی، نظارت‌های گوناگون بر حرفه، شرایط و فرایند آزمون حسابداری رسمی، انتخاب بدون آزمون، صلاحیت حرفه‌ای مساوی، روزآمد نبودن قوانین و مقررات مرتبط، فقدان منظومه‌ی گزارشگری مالی، عدم کیفیت نظام آموزش عالی، عدم باور عمومی به نقش حرفه، نپیوستن به نظام جهانی، تحریم، بیماری کرونا و... است.

حل مشکلات و مسایل داخلی حرفه فقط با حضور و خواست جدی اهالی حرفه امکان‌پذیر می‌شود و به صورت بفرموده و از بالا به پایین حل‌وفصل نخواهد شد. کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من. چالش‌های تحمیلی با تعامل و گفت‌وگوی مستمر ارکان با ذی‌نفعان و شرکای کلیدی حرفه، همراهی اهالی حرفه و مشارکت شخصیت‌های مؤثر، نافذ، نامور، راجل، اهل حل و عقد آن قابل‌رفع خواهد بود. حرفه به مثابه‌ی موجود زنده همواره باید آماده‌ی مواجه شدن با تغییرات محیطی و همگامی و خودتنظیمی با آن باشد تا بتواند رشد و بقای خود را تضمین کند و منقرض نشود. معمولاً قدمت طولانی یک کسب‌وکار پاداش اخلاق‌مداری و انعطاف‌پذیری آن محسوب می‌شود. اگر بخواهیم حرفه را برای آینده حفظ و بانی رشد، توسعه و اعتلای آن باشیم باید با لحاظ منافع عمومی مشکلات و مسائل آن را حل‌وفصل کنیم و اگر در این زمینه بی‌تفاوت باشیم و آن را نادیده انگاریم و فقط فکر منافع فعلی و کسب‌وکار خویش باشیم خود و نسل آینده را از داشتن حرفه‌ای مرفعی و متعالی محروم کرده‌ایم. ما وظیفه داریم برای نسل بعدی توشه‌ای از امید و انگیزه به یادگار بگذاریم همچون سنت پیشینیان پاک‌نهاد و بلندنظر که آن را چون ودیعه‌ای به دست ما سپرده بودند. ■